

استفاده از مقررات زدایی در رفع موانع تولید

دکتر فتح‌اله تازی*

وجود مقررات دست‌وپاگیر در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، به عنوان معضلی در راه رشد و توسعه کشورها شناخته شده است. از این رو مقررات زدایی از جمله روش‌هایی است که در دهه‌های اخیر به عنوان عاملی برای رفع مشکلات موجود در مسیر توسعه اقتصادی، اهمیت پیدا کرده است.

مقررات زدایی می‌تواند شامل بخش‌های مختلف اداری، مدیریتی، اجرائی، حقوقی، اقتصادی و ... باشد؛ ولی چارچوب کلی آن رفع محدودیت‌هاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد بعضی کشورها از جمله چین توانسته‌اند از طریق مقررات زدایی به رشد بالایی دست یابند. در قوانین برنامه پنجساله کشور ما نیز موضوع مقررات زدایی برای رفع موانع تولید مدنظر قرار گرفته و مطالعه قوانین برنامه اول تا چهارم نشان‌دهنده اختصاص بندهای مختلفی از قوانین به این موضوع است؛ اما از جمله نکات مهم دیگر این مطالعه وجود مقررات زدایی در کنار مقررات زدایی قوانین برنامه بوده است که وجود آن می‌تواند به خنثی کردن آثار مفید مقررات زدایی بیانجامد. ابهام مهم دیگری - که در بررسی‌ها ملاحظه شد - مشخص نبودن میزان اجرای قوانین برنامه در این باره است. مثلاً از منافع حاصل از خروج پادگان‌ها از مناطق شهری و یا انتقال دستگاه‌های دولتی آمار و ارقام دقیقی موجود نیست. همچنین برخی بندها به‌طور تکراری در قوانین برنامه‌های بعدی تصریح و یا با ذکر شماره تنفیذ شده است، در حالی که اگر دائمی بودن آن‌ها ضرورت داشته می‌باید در یک قانون کامل و مجزا لحاظ می‌شد. چارچوب متفاوت و متغیر قوانین برنامه اول تا چهارم خود گویای نوع دیگری از معایب مقررات زدایی است که نتیجه آن عدم امکان برنامه‌ریزی بلندمدت خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مقررات زدایی، قوانین برنامه پنجساله، انحصار، شکست بازار

مقدمه

قوانین و مقررات را می‌توان به سه دسته اقتصادی، اجتماعی و اداری تقسیم کرد. مقررات

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

اقتصادی معمولاً محدودیت‌هایی را در زمینه قیمت‌ها، مقادیر و شرایط ورود و خروج در یک رشته فعالیت خاص ایجاد می‌کند. مقررات اجتماعی می‌تواند قسمت وسیعی از رشته فعالیت‌ها را مانند مقررات زیست‌محیطی و استاندارد، تحت تأثیر قرار دهد و مقررات اداری به مدیریت دولت در مورد نحوه کار بخش خصوصی و عمومی مانند تشریفات اداری، مربوط می‌شود. البته می‌توان با ترکیب این گروه‌ها، مقررات دیگری را نیز مدنظر قرار داد ولی به هر حال امروزه، استفاده از مقررات‌زدایی برای افزایش کارایی و پایین آوردن هزینه‌های اجرائی و واسطه بحث مهم اقتصادی در دنیاست. در بسیاری از موارد، اعمال مقررات خود مانعی برای دستیابی به اهداف است و بنگاه‌ها را از فعالیت باز می‌دارد. از این رو مقررات‌زدایی می‌تواند عاملی برای رفع موانع تولید محسوب شود. بنابراین این مقاله سعی دارد میزان توجه برنامه چهارم توسعه را به موضوع مقررات‌زدایی مشخص کرده و تا حدودی با برنامه‌های قبلی مقایسه کند.

۱. مبانی نظری اعمال مقررات و مقررات‌زدایی

در نظریات اقتصادی زمینه‌های محدودی برای اعمال مقررات اجرایی در جهت تقویت نقش نظارتی دولت که به‌طور عمده در قالب سه وضعیت، شکست بازار، انحصار طبیعی و توزیع عادلانه ثروت بیان می‌شود.^۱

شکست بازار به تمامی مواردی اطلاق می‌شود که در آن‌ها مکانیسم رقابتی بازار منجر به تخصیص بهینه منابع نشود. در این موارد دخالت دولت به‌منظور اصلاح نظام تخصیص به‌صورت در اختیار گرفتن تولید، توزیع، قیمت‌گذاری، پرداخت سوبسید یا دریافت مالیات است. تولید کالاهای عمومی (مانند امنیت و محیط زیست سالم) یا ارائه کالاهای و خدماتی که بخش خصوصی، داوطلب تولید آن‌ها نیست (مانند ارائه خدمات پستی در مناطق روستایی) از جمله این موارد هستند.

انحصار طبیعی به رشته فعالیت‌های خاصی گفته می‌شود که با توجه به طبیعت محصول تولیدی به ایجاد هزینه‌های کاهنده در ازای افزایش سطح تولید منجر می‌شود و با این شرایط هیچ بنگاه جدیدی نمی‌تواند با بنگاه دیگری - که قبلاً در تولید کالا و خدمت مربوط فعالیت داشته است - به رقابت پردازد؛ زیرا همواره هزینه تولید بالاتری را متحمل خواهد شد و با توجه به وجود شرایط انحصاری تولید، سطح رفاه جامعه نسبت به حالت

1. Nowotny Ewald, Privatization Deregulation Reregulation, 1999, Experiences Policy Threats in Austria. <http://www.sigov.si/zmar>.

رقابتی پایین تر خواهد بود.

توزیع عادلانه ثروت توجیه دیگری از دخالت دولت و اعمال مقررات در بازار است؛ زیرا مکانیسم بازار برای کاهش فاصله درآمدی افراد هیچ تضمینی ندارد و حتی ممکن است به افزایش فاصله درآمدی منجر شود.

اول این که شکست بازار شرط کافی برای دخالت دولت در بازار نیست، دوم این که دخالت دولت بر مبنای تحلیل نظری هزینه و فایده نبوده بلکه دلایل اجتماعی و سیاسی نیز در آن تأثیر دارد و سوم این که برای افزایش کارایی و رفاه جامعه در اثر دخالت دولت هیچ تضمینی وجود ندارد.

وضع مقررات اقتصادی معمولاً هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی را (حداقل در کوتاه‌مدت) افزایش می‌دهد و این بنگاه‌ها نیز در بخش‌های قابل کنترل، ناکارایی‌ها و هزینه‌های بالاتر را به شکل قیمت‌های بالاتر به مصرف‌کنندگان منتقل می‌کنند. از طرف دیگر وجود مقررات مانع تنوع در تولید کالاها و خدمات شده و پیشرفت فنی را کند می‌کند.

اما مقررات زدایی موجب تسهیل ورود بنگاه‌های جدید به عرصه رقابت شده و هزینه‌ها را به‌طور محسوسی کاهش می‌دهد و در نتیجه تولید کالاها و خدماتی که قبلاً از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نبوده، امکان‌پذیر می‌شود.

وضع مقررات، هزینه‌هایی را نیز به جامعه تحمیل می‌کند؛ مثلاً تغییرات دائمی در مقررات هزینه‌هایی در بر دارد. براساس نظریه ویبلن^۱ هر نهاد منطق درونی خود را داشته و به این ترتیب به همراه فرایند توسعه و تطبیق با شرایط جدید، در درون چارچوب موجود به‌شکل تعدیل و مقررات زدایی در قالب‌های رایج بروز می‌کند. تغییر این موضوع نیاز به تغییر ساختار و تعدیل مداوم را توجیه می‌کند.^۲

مقررات گزایی می‌تواند زمینه‌های رانت‌جویی را نیز توسعه دهد. سهمیه‌ها، امتیازات و یارانه‌ها برای انتقال ثروت به گروه‌های خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند. چنانچه مبالغ انتقالی هنگفت باشد؛ فساد نیز پدیدار می‌شود و گاهی افراد ذی‌نفع از طریق وارد آوردن فشار به گروه‌ها و سازمان‌ها در صدد افزایش منافع خویش بر می‌آیند. برای بیش‌تر این افراد اهمیتی ندارد که اقدامات و جهت‌گیری در وضع چنین قوانین و مقرراتی چه هزینه‌هایی را

1. Veblen

2. J.Patrik Raines & Charles G.Leathers (1995). "Veblen's Theory of Institutional Change: An Explanation of Deregulation of Japanese Financial Markets", American Journal of Economics & Sociology, Vol. 54, No.3. pp.3-5.

از بعد کارایی بر اقتصاد تحمیل خواهد کرد.

۲. مقررات زدایی چیست؟

در بررسی قسمت قبل بیان شد که مقررات زدایی جوانب مختلفی را در بر می‌گیرد و به‌طور کلی اعمال مقررات از نظر اقتصادی زمانی توجیه‌پذیر است که یا با وضعیت شکست بازار در تخصیص بهینه منابع مواجه باشیم یا انحصار طبیعی در تولید کالا یا خدمتی وجود داشته باشد که در این صورت وضعیت رقابتی، قابل تصور نیست و یا امکان دسترسی به اهداف توزیع عادلانه ثروت مورد نظر جامعه و سیاستگذاران، فقط از طریق اعمال مقررات میسر باشد.

با توجه به موارد بالا هرگونه تلاش برای ایجاد فضای رقابتی، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و گسترش حضور بخش خصوصی، حذف شرایط و مقرراتی که زمینه‌های رانت‌جویی را برای عده خاصی افزایش می‌دهد، حذف شرایط به‌وجود آورنده فساد اداری، حذف شرایط دستیابی گروه‌ها و سازمان‌های خاص به منافع اختصاصی، حذف شرایطی که موجب ابهام در اجرا شده و برای توصیف آن‌ها مجدداً باید آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بسیاری صادر شود، حذف شرایطی که موجب طولانی‌تر شدن زمان اجرای طرح‌های مختلف تولیدی و خدماتی برای بخش خصوصی و گاهی بخش عمومی و دولتی می‌شود، حذف شرایطی که انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید را کاهش داده و اقتصاد را به سمت گسترش بخش‌های واسطه‌ای و دلالی سوق می‌دهد و ... را می‌توان از جمله فعالیت‌های مقررات زدایی محسوب کرد.

در این مقاله مواد مختلف قوانین برنامه اول تا چهارم توسعه با دیدگاه مقررات زدایی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا موادی که به نحوی می‌توانند حداقل یکی از جنبه‌های یاد شده را در برداشته باشند شناسایی و معرفی شوند تا در نهایت روند حرکت قوانین برنامه اول تا چهارم توسعه در چارچوب مقررات زدایی مورد ارزیابی قرار گیرد.

۳. اقتصاد سیاسی مقررات زدایی

چرا رقابتی ساختن اقتصاد و دستیابی به مقررات زدایی دشوار است؟ و چرا زمانی که دولت‌ها در زمینه مقررات زدایی تلاش می‌کنند؛ برخی از آن‌ها شکست می‌خورند؟ وقتی انتظار داریم که همه مردم از شرایط رقابتی‌تر بازار کالاها و خدمات منتفع شوند؛ بنابراین باید برای پشتیبانی از این فضا هماهنگی گسترده‌ای انجام شود؛ اما اغلب شاهدیم که این هماهنگی به وجود نمی‌آید و پشتیبانی سیاسی برای سیاست‌های پیش‌نیاز ایجاد فضای

رقابتی وجود ندارد. بررسی‌ها نشان داده است معمولاً وجود رانت برای عده‌ای خاص، مانع گسترش فضای رقابتی است. مثلاً در شهرهای اروپایی خدمات تاکسی گران است؛ زیرا تعداد جوازها برای خدمات تاکسی کاملاً کنترل شده است. محدود بودن مجوزها با حفظ مصنوعی قیمت‌ها در سطح بالا از یک سو ایجاد رانت می‌کند و از سوی دیگر عاملی است تا افراد برای دسترسی به این منفعت تلاش کنند. بخشی از این رانت‌ها عاید رانندگان تاکسی و بخشی دیگر به شکل رأی در انتخابات محلی و یا رشوه عاید مسئولین بخش عمومی - که جوازها را صادر می‌کنند - می‌شود؛ اما در ایرلند به علت مقررات زدایی دریافت مجوز تاکسی ارزان است. در برخی کشورها وجود هزینه‌های بالا در دفاتر اسناد رسمی، استفاده از برخی خدمات را محدود می‌کند. هزینه‌های دفاتر اسناد رسمی به این علت بالاست که دسترسی به این تخصص‌ها و مشاغل به شدت از سوی بخش خصوصی کنترل می‌شود و وجود مقررات می‌تواند ضامن بقای این دفاتر باشد. این گروه‌های اقلیت نیز در بخش‌های حمایت شده ترتیباتی برای دسترسی به سیاسیون مرتبط در نظر می‌گیرند تا وضعیت جاری را حفظ کنند. به این ترتیب مسلم است که مخالفت‌های زیادی با مقررات زدایی صورت می‌گیرد. آیا برای تضعیف مخالفت‌ها راهی وجود دارد؟ گسترش مطلوبیت عمومی می‌تواند در این راه گام مؤثری باشد. مثلاً اگر صنعت خاصی در اقتصاد وجود داشته باشد که کارگران و مدیران آن صنعت به واسطه شرایط غیررقابتی از دستمزدهای بالا بهره‌مند می‌شوند، دولت می‌تواند به جای تلاش برای مقررات زدایی در آن صنعت - که با مقاومت‌های مختلف همراه است - به آزادسازی یکباره تمام بازارها بپردازد. در این صورت کارکنان آن بخش نیز می‌توانند به‌عنوان مصرف‌کننده از کاهش قیمت در کل اقتصاد منفعی به دست آورند که این امر می‌تواند رانت کسب شده قبلی آن‌ها را جبران کند. معمولاً آزادسازی یکباره، مقررات زدایی را آسان می‌کند. گاهی هم وجود مقررات موجب کاهش قیمت خدمات عمومی و یا برخی کالاها به صورت مصنوعی می‌شود. بدیهی است جامعه هزینه این کاهش را به‌طور دیگر و از طریق مالیات‌های بالاتر یا فروش ثروت می‌پردازد. در اینجا نیز مقررات زدایی به شفاف‌سازی برای مصرف‌کنندگان نیازمند است تا هر گروهی که مصرف‌کننده واقعی است هزینه آن را بپردازد و در مقابل گروه‌هایی که نفعی نمی‌برند هزینه‌ای نیز از این بابت نپردازند.

۴. مطالعات انجام شده درباره نقش مقررات و مقررات زدایی در اقتصاد

در این باره مطالعات مختلفی انجام شده است که تمامی این مطالعات مؤید تأثیر مثبت

مقررات‌زدایی بر رشد تولید و درآمد ناخالص داخلی و کاهش هزینه‌هاست. «کریستیانسن و هاومن»^۱ (۱۹۸۱) به بررسی تأثیر وضع مقررات بر بهره‌وری نیروی کار پرداختند. در این مطالعه مشخص شد دو دهه قبل از بررسی، همزمان با افزایش وضع مقررات از جانب دولت، رشد بهره‌وری به ازای هر نفر - ساعت کاهش یافت. همچنین «هان و هیرد»^۲ محاسبه کردند که هزینه‌های اجرا و تبعیت از مقررات برای هر شهروند امریکایی در سال ۱۹۹۱، معادل ۵۶۸۳ دلار علاوه بر مالیات‌های جاری است. «مک آوی»^۳ (۱۹۹۲) مطالعه دیگری درباره آثار مقررات بر رشد بلندمدت انجام داد و مشخص کرد که حدود ۱/۵ الی ۲ درصد از کاهش GNP به دلیل وضع مقررات بوده است. «جورگنسون و ویلکاکس»^۴ (۱۹۹۰) دریافتند که مقررات کنترل آلودگی هوا در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵ با ۲/۵ درصد کاهش در GNP همراه بوده است. «فردین»^۵ (۱۹۹۵) نیز نتیجه گرفت که رشد وضع مقررات، حداقل توجیه‌کننده بخشی از کاهش رشد امریکا در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۴ بوده است.^۶ در مطالعه دیگری که به‌وسیله «کودیجک و کرمرز» (۱۹۹۶) برای ۱۱ کشور عضو (OECD)^۷ انجام شد؛ همبستگی منفی بالایی بین شدت نظارت و رشد بازده به دست آمد.^۸ «الیگ»^۹ (۲۰۰۱) نیز نشان داد مقررات‌زدایی در صنایع هوایی، راه‌آهن و ارتباطات امریکا، منافع بسیاری برای مصرف‌کنندگان به همراه داشته است و در هر سه صنعت به کاهش حدود ۲۰ درصدی قیمت‌ها و حتی بیش‌تر منجر شد و در عین حال کیفیت خدمات نیز بهبود یافت.^{۱۰}

1. Christiansen & Haveman
2. Hahn & Hird
3. Mac Avoy
4. Jorgenson & Wilcox
5. Friedman

۶. پژوهشکده پولی و بانکی، مقررات‌زدایی در نظام بانکی، ۱۳۸۳، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

7. Organisation for Economic Co-operation and Development
8. Koedijk Kees & Kremers Jeroen, Market opening, Regulation & Growth in Europe Eco.policy, Vol.11, No. 23 (oct. 1996). PP 443-467.
9. Ellig
10. Ellig Jerry, 2001, Economic Deregulation & Reregulation: Benefits & Threats, Citizens for a sound Economy Foundation.

سرانجام «هانگ سنگ بانک»^۱ (۲۰۰۵) به این نتیجه رسید که به‌طور کلی رشد بالای ۹ درصد چین به واسطه اعمال مقررات‌زدایی در بخش بزرگ صنایع بوده است. همچنین محدود بودن مقررات‌زدایی چین در بخش‌های نفت، برق و حمل‌ونقل، مانعی برای رشد بیش‌تر و سریع‌تر بخش‌های پایین‌دستی بوده است.^۲

۵. مقررات‌زدایی در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه

در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل وقوع انقلاب و سپس بروز جنگ تحمیلی بر کشور - که با تهدیدات احتمالی برای کشور ما همراه بود- دولت در اقتصاد نقش گسترده‌ای یافت و لزوم کنترل هر چه بیش‌تر متغیرهای مختلف اثرگذار، گسترش نقش نظارتی را برای دولت به همراه داشت که در تمام بازارهای کالا و خدمات، کار، پول و مبادلات خارجی گسترش یافت. به نحوی که بانک مرکزی کاملاً به‌عنوان ابزار سیاستی در اختیار دولت قرار گرفت و مقررات مختلف حمایتی به‌طور کامل بازار کار را پوشش می‌داد؛ همچنین بازار کالاها و خدمات عمدتاً با نظارت و کنترل همراه و صادرات نیز با مقررات و اریز ارز حاصل از صادرات و کنترل کالاهای صادراتی و وارداتی مواجه بود.

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و ارائه برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، به تدریج در راستای کاهش نقش نظارتی و کنترلی دولت و گسترش حمایت از بخش خصوصی با استفاده از مقررات‌زدایی اقدامات مختلفی انجام شد.

بخشی از رفتار مقررات‌زدایی در برنامه‌های اول تا سوم توسعه به تدریج به قانون و مقرراتی تبدیل شدند که سرانجام در برنامه چهارم توسعه از آن‌ها نام برده نشد. زیرا عملاً به‌عنوان یک رفتار دائمی در قوانین و مقررات جدید نهادینه شده بودند؛ اما برخی از قوانین و مقررات برنامه‌های قبلی عیناً در برنامه‌های بعدی تکرار شد تا همچنان بتواند سیاست اثرگذار خود را در کاهش مقررات اجرا کند.

در این قسمت چارچوب برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به‌عنوان مبنای موضوع مقررات‌زدایی مورد بحث قرار گرفته و سپس به بررسی و احصای مواد مرتبط با این موضوع در برنامه چهارم توسعه پرداخته می‌شود.

1. Hang Seng Bank

2. Hang Seng Bank, 2005, The Power of Deregulation, Economic Research Department, Hong Kong.

قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شامل یک ماده واحد و ۵۲ تبصره بود و امر بازسازی در رأس هدف‌های کلی این برنامه قرار داشت.

از دیگر اهداف برنامه اول توسعه خودکفایی، مهار تورم، تأمین حداقل نیازهای اساسی و ... بود. همچنین در بند «۸» اهداف آن، اصلاح سازمان و مدیریت اجرائی و قضائی کشور ذکر شد که می‌توانست شامل مقررات‌زدایی نیز باشد.

در تبصره‌های اجرائی قانون برنامه اول توسعه، دولت در بخش‌های مختلف به‌طور کلی به اجرای چارچوب‌هایی مکلف بود که برای مقررات‌زدایی انعطاف‌چندانی فراهم نمی‌کرد.^۱ در این‌باره برخی تبصره‌ها و محتوای کلی برای مقررات‌زدایی عبارتند از: تبصره‌های ۷ الی ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۱۹ و

با توجه به وضعیت برنامه اول توسعه که پس از پشت سر گذاشتن سال‌های جنگ تحمیلی و اقتصاد به‌شدت دولتی به صورت قانون درآمده بود، محدود بودن تعداد تبصره‌های مرتبط با مقررات‌زدایی امری طبیعی به‌نظر می‌رسد و به‌عنوان اولین گام برای حرکت به سمت مقررات‌زدایی بسیار مفید و مثبت تلقی می‌شود. هر چند در مواردی مانند تبصره‌های ۱۰، ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ... در نحوه و میزان اجرای آن‌ها ابهاماتی نیز وجود دارد.

قانون برنامه دوم توسعه تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی را در رأس هدف‌های کلان کیفی قرار داد و رشد فضایل اخلاق اسلامی، افزایش بهره‌وری و ... نیز در بخش‌های دیگر آن موردنظر قرار گرفت. این قانون از ۱۰۱ تبصره تشکیل شده بود که حدود ۲ برابر تبصره‌های برنامه اول توسعه است.

اصلاح ساختار نظارتی اجرائی و قضائی نیز همانند برنامه اول توسعه، در برنامه دوم تکرار شده بود و در مقایسه با برنامه اول، بخش بیش‌تری از تبصره‌ها به اعمال «سیاست‌های قیمت‌گذاری و تعیین چارچوب‌های پولی و بانکی و افزایش نرخ خدمات دولتی» اختصاص یافت؛ به نحوی که تنظیم ساعات کار اصناف نیز با هدف کاهش مصرف انرژی مدنظر قرار گرفت (تبصره ۱۹).

استفاده شدید از سیاست تعرفه‌ای برای حمایت از تولیدات داخلی از جمله موارد جدید برنامه دوم نسبت به برنامه اول بوده است. این‌گونه موارد بیان‌کننده مقررات‌زدایی بیش‌تر است.

۱. رجوع شود به جدول ۱ ضمیمه.

همچنین در تبصره‌های اجرائی این قانون مواردی به‌منظور مقررات‌زدایی قابل احصاست.^۱

این تبصره‌ها نشان‌دهنده این است که با توجه به تجربه برنامه اول توسعه، تلاش برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی، تقویت تولیدات با محور صادرات، حذف مراحل غیرضرور اداری، کوچک‌تر کردن دولت از طریق ادغام یا حذف واحدها، اتصال امور مختلف به بخش‌های خصوصی و تعاونی، اجازه فروش پادگان‌ها، بخشودگی مالیاتی در برخی فعالیت‌ها و تسهیل صدور اسناد رسمی و تکرار برخی از تبصره‌های برنامه اول، مورد توجه قرار گرفته است. البته در برنامه دوم توسعه، همانند برنامه اول، نحوه اجرا با سؤال‌ها و ابهاماتی مواجه بوده ولی در مجموع برای دستیابی به مقررات‌زدایی گامی مؤثرتر از برنامه اول در جهت نیل به مقررات‌زدایی بوده است.

در قانون برنامه سوم، مواد قانونی متعدد جایگزین تبصره‌ها شده‌اند و در سه گروه حوزه‌های فرابخشی، امور بخشی، اجرا و نظارت در ۲۶ فصل و ۱۹۹ ماده ارائه می‌شوند. در قانون برنامه سوم توسعه تعداد مواد حدود ۲ برابر تبصره‌های قانون برنامه دوم و ۴ برابر تبصره‌های قانون برنامه اول است.^۲ به این ترتیب تبصره‌ها جای خود را به موادی دادند که تحت عناوین خاص دسته‌بندی شده‌اند و به‌نظر می‌رسد هدف از مواد در عناوین فصول قابل مشاهده است. این تغییر از این نظر مفید است که می‌تواند با دسته‌بندی کردن مواد جایگاه آن‌ها را مشخص کند؛ ولی چون قابلیت مقایسه با برنامه‌های اول و دوم را کاهش می‌دهد به‌عنوان یک محدودیت نیز به حساب می‌آید. درباره موارد مرتبط با مقررات‌زدایی برداشته شدن گام بلندتری را در برنامه سوم می‌توان مشاهده کرد.

از جمله اهداف برنامه سوم توسعه در کوچک‌تر کردن دولت عبارتند از: اصلاح ساختار اداری، ساماندهی شرکت‌های دولتی، واگذاری سهام و مدیریت شرکت‌های دولتی، تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی.

همچنین در راستای رفع موانع تولید، سیاست‌های دیگری درباره اشتغال و نظام مالیاتی در نظر گرفته شد. سیاست‌های پولی، ارزی و ساماندهی بازارهای مالی مورد توجه قرار گرفت و همچنین در بخش صنعت و معدن، بازرگانی و ... سیاست‌های دیگری اعمال شد.

در مجموع می‌توان گفت که قانون برنامه سوم توسعه از قوانین برنامه‌های قبلی و در

۱. رجوع شود به جدول ۲ ضمیمه.

۲. رجوع شود به جدول ۳ ضمیمه.

راستای تکمیل آن‌ها گام مؤثرتری برداشته است. هر چند عملاً از نظر پیشرفت و دسترسی به اهداف موردنظر با سؤال‌هایی همراه بوده است.

قانون برنامه چهارم توسعه از ۱۶۱ ماده تشکیل می‌شود. فصل اول آن به بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی اختصاص یافت و ابتدا به موضوع تبدیل «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت خام» که از مسائل قانون برنامه سوم توسعه بود به «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت» پرداخته است.^۱

ویژگی خاصی که در برنامه چهارم توسعه به چشم می‌خورد آن است که هرچند ممکن است تعداد مواد مرتبط با مقررات‌زدایی در این قانون کم‌تر دیده شود، ولی موادی برای جلوگیری از اعمال مقررات اضافی در آن لحاظ شده است که می‌تواند نقش مقررات‌زدایی را ایفا کند. (همانند ماده (۲) و تا حدودی ماده (۳) و (۴) و ...).

ویژگی دیگر برنامه چهارم توسعه آن است که تعداد موارد مرتبط با مقررات‌زدایی در یک ماده می‌تواند متعدد باشد (مانند ماده (۱۰)).

در برنامه چهارم توسعه فصل‌بندی‌ها همانند برنامه سوم توسعه است؛ اما عناوین فصول تغییر یافته و به بسترسازی برای رشد و تعامل فعال با اقتصاد جهانی و رقابت‌پذیری اقتصاد اهمیت بسیاری داده شده است. فصول مختلف بر مبنای جنبه‌های مختلف توسعه از جمله توسعه قضائی، توسعه مبتنی بر دانایی، توسعه سلامت و توسعه فرهنگی نامگذاری و در مجموع موارد بیش‌تری نسبت به برنامه‌های قبلی احصا شده است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری حاصل از بررسی قوانین برنامه

۶-۱. در تمامی تحقیقات انجام شده ویژگی عمده مقررات‌زدایی را ایجاد بازار رقابتی ذکر کرده‌اند لذا هر قدمی در جهت گسترش فعالیت بخش خصوصی، کوچک‌تر شدن اندازه دولت، کاهش سهم دخالت دولت در اقتصاد (به‌ویژه در قسمت‌هایی که بخش خصوصی حاضر به فعالیت است و یا این‌که فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد مشکلی به وجود نمی‌آورد)، دریافت مجوزها و کاهش مراحل اداری برای فعالیت بخش خصوصی و ... را در زمره فعالیت‌های مقررات‌زدایی می‌توان محسوب کرد. از این‌رو گستره مواد قانونی و تبصره‌های مرتبط با مقررات‌زدایی افزایش پیدا می‌یابد.

۱. رجوع شود به جدول ۴ ضمیمه.

۶-۲. باید یادآور شد که فقط ذکر مواد در قوانین برنامه نمی‌تواند کارگشا باشد. زیرا تا یک تعهد و حرکت عمومی عملاً در راستای اجرای قوانین قرار نگیرد، مواد ذکر شده نمی‌تواند تأثیرگذار باشد.

۶-۳. برخی از مواد، به دولت یا دستگاه‌های دولتی اجازه انجام کاری را می‌دهند؛ اما این اجازه به قیودی مشروط است. مثلاً در بند «ح» ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه، به بانک مرکزی اجازه استفاده از ابزار اوراق مشارکت و سایر ابزارهای مشابه در قالب عقود اسلامی داده شده است؛ اما آن را به تصویب مجلس شورای اسلامی مشروط کرده است. بنابراین هرگاه بانک مرکزی بخواهد از این ابزار برای اثرگذاری سریع بر بازار استفاده کند، انتظار می‌رود که عملاً یک یا چند ماه در روند تصویب هیأت دولت، مجلس و شورای نگهبان قرار گیرد و در این مدت ممکن است اصل دلیل دخالت در بازار تغییر کند.

۶-۴. قوانین برنامه اول تا چهارم توسعه حاوی موارد مختلفی است که می‌تواند در راستای مقررات‌زدایی و ایجاد اشتغال تأثیرات مثبتی به همراه داشته باشد؛ اما علاوه بر این می‌توان به مواردی از برنامه‌های مختلف نیز اشاره کرد که در جهت مخالف با مقررات‌زدایی بوده‌اند. مثلاً در تبصره «۲۶» از قانون برنامه اول توسعه آمده است: «در اعطای مجوز پروانه کار به متقاضیان مشاغل تولیدی، خدماتی و صنعتی اولویت با کسانی است که دوره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را طی کرده باشند».

ذکر عبارت اولویت می‌تواند به عاملی برای ایجاد مانع در اعطای مجوز پروانه کار به متقاضیان تبدیل شود که افراد حتماً باید مرحله خاصی را بگذرانند و معلوم نیست سپری کردن مرحله آموزش فوق عملاً چه تأثیری بر کارایی متقاضیان داشته باشد.

۶-۵. همچنین در تبصره «۲۵» قانون برنامه دوم توسعه آمده است که شورای عالی توسعه صادرات در مرکز و کمیته توسعه صادرات در استان‌ها تشکیل شود. بدیهی است تشکیل این شورا و کمیته‌ها هزینه‌هایی برای دولت به همراه دارد؛ اما معلوم نیست چگونه این شورا و کمیته‌ها بتوانند در عمل در مقایسه با قبل از تشکیل شورا و کمیته‌ها تسهیل‌کننده صادرات باشند.^۱

۶-۶. ماده (۱۰۸) قانون برنامه سوم توسعه، اجازه واگذاری اراضی با مقیاس اقتصادی را در عرصه‌های طبیعی برای کارآفرینان و نیروهای متخصص بخش کشاورزی صادر کرده است؛

۱. تشکیل این قبیل شوراها در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه شدت پیدا کرد.

اما ممکن است عملکرد دولت به نحو اختصاصی‌سازی یا واگذاری‌های اختصاصی و غیررقابتی و غیرکارآفرین باشد که در این صورت برخلاف نظر قانونگذار خواهد بود و مشکل نهایی به نقص در اجرا مربوط می‌شود نه نقص در قانون.

۶-۷. برخی موارد نیز خود می‌تواند مانع توسعه صادرات باشد. مثلاً بند «ج» ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه هرگونه برپایی نمایشگاه تجاری - صنعتی بین‌المللی در داخل و خارج یا حتی شرکت در این نمایشگاه‌ها را منوط به تأیید مرکز توسعه صادرات مجاز می‌داند.

این موضوع می‌تواند به ابزاری در دست دولت تبدیل شده و در عمل مانع فعالیت بخش خصوصی در راستای توسعه نقش نمایشگاه‌ها برای کالاهای صادراتی باشد.

۶-۸. سرفصل‌های برنامه چهارم توسعه نسبت به برنامه سوم و به همین ترتیب برنامه سوم توسعه نسبت به برنامه دوم و برنامه دوم توسعه نسبت به برنامه اول، دائماً تغییر کرده است و مشخص نیست این تغییر سرفصل‌ها چه اثری بر کل برنامه و نتایج حاصل از اجرای برنامه می‌تواند داشته باشند. مثلاً از امور بهداشتی در برنامه چهارم توسعه با عنوان «ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی» یاد شده است؛ در حالی که امور بهداشتی قبلاً در فصل بهداشت و درمان قرار داشت. اگر چارچوب فصول در برنامه‌ها ثابت می‌ماند، می‌توانست قدرت مقایسه‌ای را بین مواد برنامه‌های مختلف افزایش دهد.

۶-۹. در برخی از مواد برنامه چهارم توسعه تصریح شده است که مواد معینی از قانون برنامه سوم تنفیذ می‌شود، در حالی که برخی دیگر از مواد مشابه برنامه سوم، در قانون برنامه چهارم با محتوای مشابه و به‌طور تکراری بیان شده است (مانند ماده (۸۹) برنامه چهارم توسعه که بر سطح‌بندی خدمات بهداشتی مبتنی است و در برنامه سوم با عنوان ماده (۱۹۳) ذکر شده بود).

۶-۱۰. وظایف متعددی از جمله تهیه طرح جامع، لایحه، برنامه ملی و ... در قانون برنامه چهارم توسعه برای دولت پیش‌بینی شده است که مهلت برخی از آن‌ها مانند برنامه توسعه بخش تعاونی موضوع ماده (۱۰۲) تا پایان سال ۱۳۸۳ بود و عمدتاً تا پایان سال اول برنامه می‌باید انجام می‌گرفت مانند برنامه ملی توسعه کار شایسته موضوع ماده (۱۰۱) یا طرح جامع با رویکرد گسترش فرهنگ وقف موضوع ماده (۱۰۶)؛ اما در حال حاضر گزارشی از پیشرفت و عملکرد دولت در این موارد مشاهده نشده است.

۶-۱۱. در برخی موارد، موضوع توسعه مشارکت یا تهیه سازوکارهای لازم برای توسعه

مشارکت مردمی ذکر شده است (مانند بندهای «ج» و «ط» از ماده (۱۱۹) فصل امنیت ملی برنامه چهارم)؛ اما از آن‌جا که موضوع به‌طور کلی ذکر شده و سازوکار اجرائی و قانونی خاصی برای دولت بیان نشده است نمی‌تواند عملاً نقص خاصی را در چارچوب قانون برنامه چهارم توسعه و اجرائی شدن آن از نظر مقررات‌زدایی داشته باشد.^۱

۶-۱۲. گاهی لازمه واگذاری تصدی‌های دولتی، اعمال مقررات‌زدایی است. برای مثال اگر بخواهیم فعالیت‌های ورزشی را از نظارت و کنترل بخش دولتی خارج کنیم، بهترین راه، واگذاری این تصدی به بخش خصوصی است. ولی اعمال مقررات‌زدایی همیشه راهگشا نیست، برای مثال می‌توان به دخالت بخش خصوصی در ارائه خدمات حفاظتی و مراقبتی (موضوع ماده (۱۲۲) بخش امنیت ملی برنامه چهارم) اشاره کرد که می‌باید مقررات امنیتی و قوانین انتظامی مربوط به آن به‌نحوی اصلاح تا امکان واگذاری این خدمات به بخش خصوصی فراهم شود. از این‌رو در بعضی مواقع لازمه واگذاری تصدی، اعمال و وضع مقررات جدید است که در آن قانون، به‌نحوی موضوع ارائه خدمات توسط بخش خصوصی قانونمند شده و در نهایت مقررات‌زدایی اعمال شده باشد.

۶-۱۳. برخی مواد می‌توانند به‌طور مستقیم بر ایجاد اشتغال و کارآفرینی اثرگذار باشند (مانند ماده (۱۰۰) قانون برنامه سوم و قانون تنظیم مقررات مالی دولت که در برنامه سوم به تصویب رسید^۲ و در برنامه چهارم نیز تنفیذ شد یا ماده (۱۴۱) قانون برنامه سوم).

۶-۱۴. بررسی مواد مختلف قوانین برنامه نشان می‌دهد که مقررات‌زدایی می‌تواند حالات مختلفی داشته باشد. گاهی به معنای حذف مقررات قبلی و تأیید کارآفرینی و اشتغال و گاهی به شکل اصلاح و ساده‌سازی قوانین است که علاوه بر افزایش کارایی در نهایت موجب کارآفرینی و اشتغال می‌شود و گاهی به شکل معافیت گروه‌های خاص از اعمال برخی قوانین، عوارض و مالیات‌هاست که در راستای ایجاد اشتغال و کارآفرینی در یک مورد خاص و محدود موردنظر قانونگذار است و گاهی نیز به شکل اعطای آزادی و اختیار به دستگاه‌های اجرائی در نحوه هزینه کردن و در نهایت افزایش کارایی در بخش‌های خاص و تسریع و تسهیل انجام مراحل کار است که می‌تواند به شکل افزایش کارایی در بخش دولتی و اثرگذاری مجدد بر ایجاد اشتغال و تولید در بخش خصوصی نمود یابد.

۱. به همین دلیل در این بررسی از ذکر موارد مشابه به‌عنوان گامی در جهت مقررات‌زدایی، خودداری شده است.

۲. مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۶.

۱۵-۶. در برنامه چهارم توسعه برخی مواد وجود دارند که ظاهراً به مقررات زدایی مربوط نمی‌شوند ولی در عمل از اعمال مقررات اضافی جلوگیری می‌کنند. مانند ماده (۲) برنامه چهارم توسعه در زمینه برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای یا ماده (۴) برنامه چهارم توسعه در راستای جلوگیری از وضع حقوق ورودی، علاوه بر آنچه در قوانین مربوطه تصویب شده است.

۱۶-۶. در برنامه چهارم توسعه به مواردی مبنی بر بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات اشاره شده است. این موارد با یکدیگر مرتبط بوده و لازم است در راستای هماهنگی و ارتباط جامع بین آن‌ها تدابیری پیش‌بینی شود. ارائه مجزا و گسسته این قوانین می‌تواند عواقبی از جمله ناهماهنگی، ناهمگونی و عدم انسجام را در تحقق هدف واحد به همراه داشته باشد. مانند بند «ل» ماده (۳۳) قانون برنامه چهارم توسعه که اصلاح و بازنگری در قوانین و مقررات صادرات و واردات، امور گمرکی و مناطق آزاد تجاری و صنعتی را یادآور شده است.

۱۷-۶. به‌طور کلی بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد مواد مرتبط با مقررات زدایی از قانون برنامه اول توسعه تا برنامه چهارم افزایش یافته است.

۱۸-۶. اگر موارد تنفیذ مواد قانون برنامه سوم توسعه (و ماقبل آن) را در برنامه چهارم به‌صورت جزئی‌تر در نظر بگیریم؛ تعداد مواد مرتبط با مقررات زدایی در برنامه چهارم افزایش می‌یابد که این امر گویای توجه و تأکید قانونگذار به اعمال قوانین قبلی است.

۱۹-۶. افزایش مواد مرتبط با مقررات زدایی به‌منزله افزایش امکان اشتغالزایی محسوب نمی‌شود؛ بلکه عواملی از جمله نحوه اجرا و مواد قانونی دیگر که در جهت اعمال مقررات (و برخلاف مقررات زدایی) هستند نیز می‌توانند آثار مقررات زدایی مواد مختلف را کاهش داده یا از بین ببرند.

۲۰-۶. دستگاه قانونگذار می‌باید سازوکار نظارتی لازم برای اجرای قانون برنامه و الزام دولت به رعایت مواد مربوط به آن را در قوانین بودجه سنواتی به‌کار گیرد. برخی مواد در قوانین برنامه اول تا چهارم توسعه مانند مواد مربوط به قانون انتقال پادگان‌ها از شهرها تکرار شده‌اند؛ اما در عمل نتیجه قابل توجهی از تکرار مجدد آن‌ها حاصل نشده است. از این‌رو نمی‌توان انتظار اثرگذاری مطلوب را از این قوانین داشت.

چنانچه دولت‌ها به قوانین برنامه در دوره مسئولیت خویش اعتقادی نداشته باشند، لازم است ضمن لوایح مختلف، درخواست تجدیدنظر، الغا یا اصلاح مواد را بدهند نه این‌که از اجرای مواد قانون سر باز زده و هدف از برنامه‌ریزی را زیر سؤال ببرند.

۷. پیشنهادها

۷-۱. توجه به مقررات‌زدایی می‌تواند در انواع مختلف ساده‌سازی، کاهش تصدی‌گری دولت، وضع مقررات جدید و ... نمود یابد؛ اما لازم است نحوه اجرای آن‌ها در قانون تصریح شود و در اختیار دولت قرار نگیرد.

۷-۲. با توجه به تجربه‌های به‌دست آمده از برنامه‌های گذشته، برخی از مواد قانون برنامه چهارم توسعه ممکن است در عمل نادیده گرفته شده یا به درستی اجرا نشوند که در این صورت ویژگی جامعیت برنامه از بین می‌رود. بنابراین باید به نحوی سازوکار نظارتی و سؤال و جواب در اعمال مواد قانونی برنامه یا در صورت نیاز اصلاح و بازنگری آن‌ها، اندیشیده شود. ۷-۳. شفاف‌سازی و ساده‌نویسی مقررات می‌تواند از تفاسیر و عواقب نامناسب احتمالی بعدی جلوگیری کند زیرا هم مشروعیت نظام مقرراتی و قانونی را افزایش می‌دهد و هم اجرای قوانین را کارآمد می‌سازد.

۷-۴. گاهی لازم است در برنامه‌های مقررات‌زدایی به‌جای توصیه‌های سیاسی، راهکارهای روشن و شفاف ارائه شود تا امکان اجرای مواد را در عمل تسهیل کند.

۷-۵. استفاده از مقررات‌زدایی به‌عنوان تجربه موفق و اثبات شده در مطالعات مختلف می‌تواند راه ساده‌تری را در دستیابی به اهداف اشتغالزایی در مجموعه قوانین به قانونگذار نشان دهد. در موارد بسیاری لازم نیست مقررات جدیدی وضع شود؛ بلکه بهترین راه تسهیل مقررات یا حذف مقررات دست‌وپاگیر است که این کار هزینه‌های اداری و کنترلی را نیز کاهش می‌دهد. بنابراین بهتر است در هنگام تدوین قوانین با در نظر گرفتن منافع در برابر هزینه‌های اجرای قوانین برای، به دنبال ارائه راهکارهایی برای کاهش تعداد قوانین و مقررات بود.

۷-۶. مقررات‌زدایی جزئی، احتمال موفقیت را کاهش می‌دهد. بنابراین به‌منظور دستیابی به پشتیبانی سیاسی کافی، لازم است مقررات‌زدایی به جای اعمال در هر کدام از بخش‌ها و صنایع منتخب و به‌طور موردی، در کل اقتصاد انجام گیرد.^۱ ۷-۷. به همراه اعمال مقررات‌زدایی و حذف بارانها و منافع از گروه‌های مختلف، می‌باید تخفیف‌های مالیاتی و یا سیاست کاهش هزینه‌ها برای عموم در بخش‌های مختلف اعمال شود به‌خصوص بخش‌هایی که به‌طور غیرقابلی با قیمت بالا همراه بوده‌اند.

1. Alesina Alberto & Francesco Giavazzi, 2003, the Political Economy of Deregulation <http://Post.economics.edu/faculty/alesina>.

۸. ضمائ

جدول ۱. اهم تبصره‌های قانون برنامه اول توسعه مرتبط با مقررات‌زدایی

تبصره	سرفصل
تبصره‌های «۴۰،۳۴،۲۲»	اصلاح ساختار اداری و مدیریت
	ساماندهی شرکت‌های دولتی
	واگذاری سهام و مدیریت شرکت‌های دولتی
تبصره «۲۷»	تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی
	نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها
	سیاست‌های اشتغال، مالیاتی و حمایت از تولید
تبصره‌های «۸،۷»	نظام مالیاتی و بودجه
	نظام درآمد هزینه استان (مدیریت و نیروی انسانی)
	سیاست‌های پولی و ارزی
	ساماندهی بازارهای مالی
	توسعه علوم و فناوری
	سیاست‌های زیست‌محیطی
	آب و کشاورزی
تبصره‌های «۲۰،۱۹،۱۸»	صنعت و معدن و بازرگانی
تبصره «۲۹»	انرژی
	پست و مخابرات
	حمل‌ونقل
	عمران شهری و توسعه و عمران روستایی
تبصره «۱۰»	مسکن
تبصره‌های «۴۸،۴۷،۴۶،۴۴»	آموزش
	فرهنگ و هنر و ارتباطات
تبصره‌های «۳۱،۲۳،۹»	امور رفاهی و امنیتی (نظامی)
	امور قضائی
	بهداشت و درمان
	اجرا و نظارت

نکته: مبنای تقسیم‌بندی براساس عناوین مواد قانون برنامه سوم توسعه در نظر گرفته شده است.

جدول ۲. اهم مواد قانون برنامه دوم توسعه مرتبط با مقررات زدایی

ماده	سرفصل
مواد (۷,۵,۲)	اصلاح ساختار اداری و مدیریت
ماده (۳۱)	ساماندهی شرکت‌های دولتی
	واگذاری سهام و مدیریت شرکت‌های دولتی
مواد (۴۱,۳۹)	تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی
	نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها
مواد (۳۲,۲۲)	سیاست‌های اشتغال، مالیاتی و حمایت از تولید
ماده (۶۰)	نظام مالیاتی و بودجه
	نظام درآمد هزینه استان (مدیریت و نیروی انسانی)
	سیاست‌های پولی و ارزی
	ساماندهی بازارهای مالی
	توسعه علوم و فناوری
	سیاست‌های زیست‌محیطی
	آب و کشاورزی
ماده (۲۵)	صنعت و معدن و بازرگانی
	انرژی
	پست و مخابرات
	حمل و نقل
مواد (۸۵,۷۲,۷۱)	عمران شهری و توسعه و عمران روستایی
	مسکن
مواد (۹۰, ۸۷, ۴۰)	آموزش
ماده (۹۷)	فرهنگ و هنر و ارتباطات
مواد (۵۱,۴۹,۴۸)	امور رفاهی و امنیتی (نظامی)
	امور قضائی
	بهداشت و درمان
	اجرا و نظارت

نکته: مبنای تقسیم‌بندی براساس عناوین مواد قانون برنامه سوم توسعه در نظر گرفته شده است.

جدول ۳. اهم مواد قانون برنامه سوم توسعه مرتبط با مقررات زدایی

ماده	سرفصل
مواد (۱ الی ۳)	اصلاح ساختار اداری و مدیریت
ماده (۴)	ساماندهی شرکت‌های دولتی

جدول ۳. اهم مواد قانون برنامه سوم توسعه مرتبط با مقررات زدایی

سرفصل	ماده
واگذاری سهام و مدیریت شرکت‌های دولتی	مواد (۹ الی ۲۷)
تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی	مواد (۲۸ و ۳۰ الی ۳۳ و ۳۵)
نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها	مواد (۴۰، ۴۲، ۴۵)
سیاست‌های اشتغال، مالیاتی و حمایت از تولید	مواد (۴۹ و ۵۰ مالیاتی) و ماده (۵۲) حمایت از تولید
نظام مالیاتی و بودجه	مواد (۵۹، ۶۴، ۶۹)
نظام درآمد هزینه استان (مدیریت و نیروی انسانی)	مواد (۷۰ الی ۸۰)
سیاست‌های پولی و ارزی	ماده (۸۴)
ساماندهی بازارهای مالی	مواد (۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸)
توسعه علوم و فناوری	مواد (۱۰۳ و ۱۰۰)
سیاست‌های زیست محیطی	ماده (۱۰۴)
آب و کشاورزی	ماده (۱۰۸)
صنعت و معدن و بازرگانی	مواد (۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷)
انرژی	مواد (۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳)
پست و مخابرات	مواد (۱۲۴ و ۱۲۵)
حمل و نقل	مواد (۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶)
عمران شهری و توسعه و عمران روستایی	مواد (۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵)
مسکن	مواد (۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸)
آموزش	مواد (۱۵۴، ۱۵۲، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۶، ۱۴۴)
فرهنگ و هنر و ارتباطات	مواد (۱۶۴، ۱۶۱، ۱۵۵)
امور رفاهی و امنیتی (نظامی)	مواد (۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۲، ۱۷۱)
امور قضائی	ماده (۱۸۹)
بهداشت و درمان	ماده (۱۹۲)
اجرا و نظارت	مواد (۱۹۹ و ۱۹۸)

نکته: مبنای تقسیم‌بندی، براساس عناوین مواد قانون برنامه سوم توسعه در نظر گرفته شده است.

جدول ۴. اهم مواد قانون برنامه چهارم توسعه مرتبط با مقررات زدایی

سرفصل	ماده
اصلاح ساختار اداری و مدیریت	مواد (۳، ۷، ۳۱، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۴) معادل ماده (۱) برنامه سوم و ماده (۱۵۶) (تنفیذ قانون تنظیم مقررات مالی دولت)
ساماندهی شرکت‌های دولتی	ماده (۳۲)

جدول ۴. اهم مواد قانون برنامه چهارم توسعه مرتبط با مقررات زدایی

سرفصل	ماده
واگذاری سهام و مدیریت شرکت‌های دولتی	ماده (۲۸)
تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی	مواد (۱۱۷، ۱۱۴، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۴)
نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها	مواد (۹۷ و ۹۵)
سیاست‌های اشتغال، مالیاتی و حمایت از تولید	مواد (۱۰۲، ۱۰۱، ۹۸)
نظام مالیاتی و بودجه	مواد (۲، ۴، ۱۰۳) معادل مواد (۴۹ و ۵۰) برنامه سوم
نظام درآمد هزینه استان (مدیریت و نیروی انسانی)	
سیاست‌های پولی و ارزی	مواد (۱۰ و ۱۳ و ۱۵۴) معادل ماده (۹۰) برنامه سوم
ساماندهی بازارهای مالی	مواد (۱۶، ۱۵، ۱۲)
توسعه علوم و فناوری	
سیاست‌های زیست‌محیطی	مواد (۷۱، ۷۰، ۶۰، ۸۳) معادل مواد (۷۱، ۷۰ و ۷۷) برنامه سوم
آب و کشاورزی	مواد (۱۱۷ و ۱۰۸)
صنعت و معدن و بازرگانی	مواد (۳۵، ۳۳، ۳۶) معادل ماده (۱۱۴) برنامه سوم و ماده (۴۸)
انرژی	مواد (۱۴ و ۲۰) معادل مواد (۱۲۲ و ۱۰۸) برنامه سوم و مواد (۲۵ و ۱۵۴) معادل ماده (۱) برنامه سوم
پست و مخابرات	
حمل و نقل	ماده (۲۹) معادل مواد (۱۲۷، ۱۲۹ و ۱۲۸) برنامه سوم
عمران شهری و توسعه و عمران روستایی	ماده (۱۵۵)
مسکن	
آموزش	مواد (۴۲ و ۴۵ الی ۵۰) معادل ماده (۱۵۲) برنامه سوم و ماده (۵۱) معادل مواد (۱۴۴ و ۱۵۴) برنامه سوم و مواد (۵۲ و ۵۳) معادل ماده (۱۴۹) برنامه سوم و ماده (۵۵)
فرهنگ و هنر و ارتباطات	ماده (۱۰۵) معادل ماده (۱۶۱) برنامه سوم و مواد (۱۰۴، ۴۴، ۱۱۴)
امور رفاهی و امنیتی (نظامی)	مواد (۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹) معادل مواد (۱۷۱ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹) برنامه سوم
امور قضائی	مواد (۱۳۳، ۱۳۱، ۱۳۴) معادل (۱۸۹) برنامه سوم
بهداشت و درمان	ماده (۱۰۳) معادل مواد (۴۹ و ۵۰) برنامه سوم و مواد (۹۱ و ۸۸)
اجرا و نظارت	

نکته: مبنای تقسیم‌بندی براساس عناوین مواد قانون برنامه سوم توسعه در نظر گرفته شده است.

منابع و مأخذ

۱. پژوهشکده پولی و بانکی، «مقررات‌زدایی در نظام بانکی»، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.
۲. قوانین برنامه توسعه پنج‌ساله اول تا چهارم کشور، سایت رسمی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، دی ۱۳۸۵.
<http://www.mporg.ir/law.asp>
3. Alesina Alberto & Francesco Giavazzi, 2003, the Political Economy of Deregulation <http://Post.economics.edu/faculty/alesina>.
4. Ellig Jerry, Economic Deregulation & Reregulation: Benefits & Threats, Citizens for a sound Economy Foundation, 2001.
5. Hang Seng Bank, The Power of Deregulation, Economic Research Department, Hong Kong, 2005.
6. J.Patrik Raines & Charles G.Leathers. "Veblen's Theory of Institutional Change: An Explanation of Deregulation of Japanese Financial Markets", American Journal of Economics & Sociology, Vol. 54, No.3, (1995), pp. 3-5.
7. Koedijk Kees & Kremers Jeroen, Market opening, Regulation & Growth in Europe Eco.policy, Vol.11, No. 23 (oct. 1996). PP. 443-467.
8. Nowotny Ewald, Privatization Deregulation Reregulation, 1999, Experiences Policy Threats in Austria. <http://www.sigov.si/zmar>.